



اصغر عرفان

حماسه همیشه جاوید

داستانی به بزرگی تاریخ

۱

شاید هیچ رخدادی در تاریخ اسلام، آن قدر روشن و شفاف گزارش نشده باشد که این واقعه، اما این که چرا تفسیر آن، این قدر سرشار حیرت و شگفتی است، خود یک معما است. چگونه می شود از یک حماسه، این قدر تحلیل کرد؛ تحلیل هایی نه چندان نزدیک و همدم و حتی گاه مخالف و در برابر هم؟

شهادت، شفاعت، امر به معروف، شناساندن ماهیت ظالمان و رویارویی با ظلم، انقلاب، حکومت و... تعجب ندارد که این داستان کوتاه؛ اما به بزرگی تاریخ؛ یک بُعد نداشته باشد، یک جهت نداشته باشد، و این گونه است که هر کس آن را به گونه ای می بیند.

این حماسه، همچون دشت نیست که نشسته، تا آخرش را دید و کرانه هایش را در آغوش نگاه نشاند. این داستان، داستان کوه است؛ کوهی به عظمت تاریخ و این است که هر قدر که بالاتر می روی، بیش تر می بینی و آن وقت که به قله اش صعود می کنی، تازه خودت را فراموش می کنی و همه تحلیل های ناقصات را.^۱

البته می توان آن را از نشانه ها و علامت هایش دید، از سایه اش، اندازه هایش را گرفت و دست کم به قدر فهم خود چشید؛ و اگر نه، پس این همه حماسه، این همه شهادت و این همه شهید که آن واقعه را الگو گرفته اند، نبود و نبود این همه درس برای آموختن ما. نام بلند این حماسه جاوید چیست؟

۱. المؤمن کالجبل الراسخ.

۲. ر.ک: علی صفایی، عاشورا، قم، انتشارات هجرت، چ ۱، ۱۳۵۵، ص ۴۵.

واقعۀ کربلا

تبارنامه اش لبریز رذالت است. او فرزند کسی است که پیغمبر والا مقام، او را لعنت کرد و نواده مشرک ستم پیشه ای است که دل پیامبر ﷺ را به دشنام و استهزا آزرده؛ همان که بر تازه مسلمانان، تازیانه های ستم می زد. او نواده زنی است بدنام و بدکاره، همان که قلب حمزه سیدالشهدا را به دندان گزید.

این فرزند شقاوت و این مرداب متعفن، در خیانت بنی امیه ریشه داشت و کینه برون افتاده بدر و احد بود. جوانی می گسار، سگ باز، بوزینه باز و عیاش. او نخستین حاکم از مسلمانان است که پیش چشم همگان شراب می نوشید و به فسق و فجور مشغول بود. او هوس رانی بی خرد و خودکامه ای ستم پیشه بود، که تنها از سر بدعت و به لطف ارث پدر بر کرسی خلافت مسلمانان نشست. اگر تا پیش از او، پدرش با سیاست سرکوب و ستم و کجاست و نیرنگ، با پوشاندن تفاق درون و با بذل بی دریغ بیت المال، اساس سلطنت نو بنیاد خود را حفظ کرد، او سرخوش از مستی قدرت، بی محابا همه باطن پلیدش را بیرون ریخت و حتی به انکار وحی و رسالت لب گشود. از همین رو امام حسین ﷺ درباره او فرمود: «کسی هم چون من با کسی مثل او بیعت نخواهد کرد.»

یزید





پرونده ویژه



۵

همه این واقعه، در سرزمینی کوچک رخ داد، هیچ انقلابی در تاریخ اسلام از نظرگاه جغرافیایی کوچکتر از این سرزمین نبود. شماری اندک رویارویی هزاران کس؛ هیچ انقلابی در تاریخ اسلام از نظر کمیت کمتر از این انقلاب نبود. هشت روز؛ از اول رسیدن به این سرزمین و شاید فقط هشت ساعت، همه واقعه؛ هیچ نهضتی در تاریخ اسلام از نظر طول زمان وقوع حادثه، کوتاهتر از این انقلاب نبود. با این همه، این رخداد، بی شک بزرگترین، شگفت‌ترین و پر ارج‌ترین بخش تاریخ اسلام و تاریخ شیعه است و این جغرافیا، جغرافیای کشف همه زیبایی‌ها و عظمت‌ها و بایسته‌های زندگی انسان.

کربلا



۴

امام حسین علیه السلام به هیچ پیامبری شبیه‌تر از او نیست و شاید از همین‌رو، امام در هر منزلی که فرود می‌آمد یا از آن کوچ می‌کرد، از این پیامبر یاد می‌نمود. روزی هم فرمود: «از خواری دنیا همین بس که سر او را بر زنی بدکاره هدیه بردند.»^۱ شباهت‌های امام و این پیامبر الهی بسیار است؛ یکی آن که به تولد ایشان پیش از ولادت مژده داده شده بود؛ برای امام حسین علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برای او به زکریای پیامبر.^۲ نام او و نام حسین را پیش از ایشان کسی نداشت. هر دو شهید امر به معروف و نهی از منکر شدند و هر دو، سرهای مطهرشان را به آستان جانان پیشکش کردند. هر دو سر، به اعجاز الهی تکلم کرد و آسمان در سوگ هر دو گریست.^۳

حضرت یحیی علیه السلام

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۸.
۲. مریم، ۷.
۳. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۷۴.

۳

اگر قرآن کتاب هدایت است،^۱ او مظهر هدایت است،^۲ و اگر قرآن کتاب مبارک^۳ او مظهر برکت؛ همان‌سان که قرآن ذکر است و او مظهر ذکر الهی. قرآن برای همه زمان‌هاست و هرگز رنگ کهنگی نمی‌گیرد. او و حماسه بلندش نیز در همه روزگاران جاودانه است. قرآن فراقان است. یعنی وسیله شناختن حق از باطل. او نیز چنین است؛ هر که با اوست راه نور می‌پیماید و دشمن‌اش راه تاریکی. قرآن کتاب یقین است^۴ و او دارنده مقام یقین، که در زیارت‌نامه‌اش می‌خوانیم «حتی اتاک الیقین».^۵ قرآن همه امر به معروف است و نهی از پلیدی و سرتاسر سفارش به تسلیم و رضا و اقامه نماز، و او نیز و حکایت همه حرف‌ها و حرکت‌هایش و همه هستی‌اش این چنین است.

قرآن شفاعت‌کننده است بر قرائت‌کننده‌اش، تأمل‌گر در آیاتش و بر آن که عامل به آنهاست و او نیز شفیع است بر محزونش، گریه‌کننده‌اش و بر رهرو راهش.

حسین علیه السلام

۱. قصص، ۴۳.
۲. ان الحسین مصباح الهدی...
۳. انبیاء، ۵۰.
۴. حاقه، ۵۱.
۵. کامل الزیارات.